

خواه ناخواه در ضمیر جامعه رسوب می‌کنند و نمی‌توان از تأثیر مخرب و ویرانگر آنها غافل شد. جعفری‌بای براین باور است همه این مسائل دست‌به‌دست هم داده‌اند، حالا شاهد نوعی روان‌پریشی‌های تدریجی در جامعه هستیم. این جامعه‌شناس معتقد است چنین جامعه‌ای در ضمیر خود خشونت پنهانی را پرورش می‌دهد. «نظام آموزشی و تربیتی ما مدیریت احساسات را آموزش نداده است.» به اعتقاد بای در کتاب‌های آموزشی و پرورشی جامعه ما مدیریت احساسات و کنترل خشم به افراد آموزش داده نمی‌شود. در حالی که والدین هم چنین آموزش‌هایی را به فرزندان‌شان نمی‌دهند. «مهارت مدیریت احساسات اکتسابی و تمرین‌کردنی است.» آموزشی که غیبتش باعث شده جامعه با شهروندانی زودرنج روبه‌رو باشد که کنترل عصبانیت را بلد نیستند.

خانواده: تیغ دولبه

افزایش اختلالات روانی و در معرض خطر بودن سلامت روان سال‌هاست بحث‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است. بحث‌هایی که شواهد نشان از بی‌نتیجه بودن آنها دارند، چون سال‌هاست زنگ خطر آن به صدا درآمده است. رابعه موحد بر این باور است گروهی بر این عقیده‌اند پنهان‌کاری اتفاقاتی چون فرزندکشی‌های اخیر جامعه را مصون نگه می‌دارد. هرچند این روانشناس چنین باوری ندارد. به اعتقاد او گزارش نکردن چنین فجایی سلامت جامعه را تأمین نمی‌کند. «این حوادث محصول آسیب‌های اجتماعی‌اند. ما شاهد ازهم‌پاشیدگی روانی هستیم.» ازهم‌پاشیدگی که از سال‌ها پیش جامعه‌شناسان و روانشناسان در مورد آن هشدار داده بودند. «اینکه اختلالات روانی در ایران بیشتر شده و بیشتر هم خواهد شد.» حوادث با فاصله‌ای نه‌چندان دور از هم خبرساز می‌شوند؛ حوادثی در بطن خانواده. خانواده‌هایی که می‌توانند آسیب‌بزنند، هرچند آسیب‌ها همیشه قرار نیست منتهی به قتل شوند. «بسیاری از اختلالات شخصیتی ما از خانواده نشأت می‌گیرد.» به باور موحد خانواده تیغ دولبه است و در کنار حامی بودنش می‌تواند ناخواسته آسیب‌هایی بزند. خانواده‌ای که فرزندش را با دیگران مقایسه می‌کند، چاقو نمی‌زند، اما آسیب می‌زند. «این آسیب‌ها می‌توانند تا آخر عمر با فرد باقی بمانند.» به گفته این روانشناس در بیشتر مواقع خانواده‌ها قصد آسیب‌زدن ندارند، اما ناآگاهی خانواده و جامعه منجر به آن می‌شود. «تقدس غیرواقعی دادن به خانواده اشتباه است. خانواده کانون آسیب‌پذیری است، از شرایط اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، بیماری و...»

چتر قانون

ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی از حبس ۳ تا ۱۰ سال می‌گوید برای فردی که مرتکب قتل عمد شده. البته به شرط شاکي نداشتن یا گذشت شاکي از قصاص. قتلی که موجب اخلال در نظم، صیانت و امنیت جامعه شناخته شود یا حتی بیم‌تجری مرتکب یا دیگران. شاید همین ماده قانون باعث شد اخبار مربوط به فرزندکشی‌ها هرگز آگاهی حاشیه‌ساز شوند. ماده قانونی که حتی در صحبت‌های پدر رومی‌نادر دادگاه هم نمود می‌یافت.

قاضی: چرا به سراغ خاوری نرفتید؟

پدر رومی‌نادر: اگر بهمین خاوری را می‌کشتم قصاص و به اعدام محکوم می‌شدم، اما مورد دخترم این اتفاق نمی‌افتاد. پدرانی که مسائل اخلاقی را دست‌مایه تصمیم نادرست خود می‌کنند، برای موجه نشان دادن عمل‌شان. «اشتراک پدر رومی‌نادر و بابک در این است که می‌دانند در فضایی قرار دارند که حمایت خواهند شد.» پدرانی که بعد از حبس در نزد همفکران‌شان سربلند خواهند بود؛ نوعی قهرمان‌سازی نادرست.

موحد براین باور است پدر بابک نمی‌تواند از نظر روانی فرد سالمی باشد. به اعتقاد او پدر سالم دست‌به‌چین جنایتی نمی‌زند. «او تحت تأثیر باورهایش در عذاب است. در عذاب است از تغییر نسل‌ها. پشتوانه قانون هم به او جرأت می‌دهد.» این روانشناس البته معتقد است فرزندکشی‌هایی از این دست در نهایت مربوط به دخترها خواهد بود و بابک نمونه نادری است. هرچند شنیده‌ها حاکی از این است قرارها بر اصلاح این قانون است؛ قانونی به شدت وحد و اندازه جنایت.

قانونی فراتر از سنت‌ها

«مادر بابک اگر در امنیت زندان قرار بگیرد، شاید از واقعیت‌ها بگوید.» رابعه موحد معتقد است مادر بابک با فردی طرف بوده که توانسته فرزندش را بکشد. «احتمال این وجود دارد این مادر تمام عمر از پدر تمکین کرده. مادری که زندگی‌اش در رعب و وحشت گذشته است.» این مادر در واقع زندگی و خود واقعی‌اش را از دست داده است. «اینها احتمالات است، اما این امکان وجود دارد خود مادر هم قربانی باشد.» البته این روانشناس معتقد است این مادر هم نمی‌تواند فرد سالمی باشد. در میان پرورنده‌های فرزندکشی نام علی‌رضا خیلی به میان نیامد. پسری که توسط مردان کشته شد. «علی‌رضا چون یک مرد محسوب نمی‌شد، کشته شد. علی‌رضا از زعم مردانی که دست‌به‌چین جنایتی‌زند، توهین به مردانگی بود.» موحد معتقد است علی‌رضا به عنوان یک زن کشته شد. «چنین مسائلی همیشه وجود داشتند. مقصر قانون است. قانون باید فراتر از تفکر شهروندان و سنت‌ها باشد تا بتواند نقش بازدارنده ایفا کند.»



سکانس آخر سه‌ه‌راب‌کشی

بررسی تأثیر جامعه و مسائل روانشناسی در حوادث و پرورنده‌های فرزندکشی

است که روابط سالم خانوادگی را متزلزل می‌کند. روابطی که برای بقا و تحکیم خانواده لازم و ضروری به نظر می‌رسند. آمارها از اشکال و انواع خشونت‌ها در خانواده‌ها می‌گویند. خشونت‌هایی که نتیجه افزایش خشم و انباشته شدن طولانی مدت خصومت هستند. خشونت‌هایی که گستره‌شان از کلامی آغاز و به خشونت‌های فیزیکی یا به قتل رسیدن یکی از اعضای خانواده منجر می‌شود. مصطفی آب‌روشن معتقد است خشونت در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد. هرچند به باور این جامعه‌شناس نوع و کیفیت رفتارهای خشونت‌آمیز و بسترهای شکل‌گیری آن می‌تواند متفاوت باشد. «خشونت در جوامع سنت‌زده پررنگ‌تر بوده و بسترهای فرهنگی و اجتماعی در بروز آن نقش زیادی دارد.» در واقع زمینه‌های عرفی و سنتی با عادی جلوه‌دادن رفتارهای پر خاشاگرانه به الگوهای رفتاری در جامعه دامن‌زده است. «مبارزه با آن را با مشکل مواجه کرده است.»

گذر جوامع از سنت به مدرنیته و تضاد میان این دو؛ یکی از مشکلاتی است که دست‌به‌گریبان جوامع است. «شکاف نسلی شدید بین دو نسل متوالی است.»

تضاد فکری و افزایش خشونت‌های خانگی

زندگی مستقل بعد از ۱۸ سالگی رویه متداولی است در جوامع غربی؛ زندگی مستقلی در معنای واقعی با حمایت دولت. «در کشورهای توسعه‌یافته این تفکر فرهنگی حاکم است.» جوامعی که فرزندان محکوم می‌شوند به تجربه استقلال اجتماعی و اقتصادی. «اگر دو نسل متوالی با تفاوت‌های فراوان در سبک زندگی یک‌جا زندگی کنند، شاهد تنش و خشونت‌های فراوانی خواهیم بود.» آب‌روشن بر این باور است بخش بزرگی از خشونت‌های خانوادگی ناشی از تفاوت در سبک زندگی والدین و فرزندان است. «بدیهی است جوان امروزی تمایل دارد به شیوه خودش زندگی کند.» جوانی که به دلیل مشکلات اقتصادی به بلوغ اقتصادی نرسیده و زندگی در کنار والدین ناخواسته به او تحمیل شده است. تضاد فکری که به عنوان عامل زمینه‌ای به خشونت‌های خانگی دامن می‌زند.

در پرورنده بابک خرم‌دین تضاد دورویکرد سنتی و مدرن مشهود است. تضادی که شاید بتوان به عنوان یکی از دلایل این فاجعه به آن اشاره داشت. تضادی که در جوامع کاملاً سنتی یا کاملاً مدرن منجر به خشونت نمی‌شود. جوامعی که اختلاف نظر میان والدین و فرزندان شاید به شدت جامعه‌ناباشد. «در جامعه ما خشونت‌های کلامی و فیزیکی انعکاس ناکارآمدی دولت در حوزه‌های مختلف به خصوص نابسامانی‌های مزمن اقتصادی است.»

نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی

جامعه‌این روزهای ایران از بی‌کاری جوانان و نبود فرصت‌های شغلی آنان می‌گوید. جوانانی که توان تشکیل زندگی مستقل را ندارند. شرایطی که به یک نتیجه الزام‌آور می‌رسد؛ ریشه این‌گونه فجایع و خشونت‌های جاری در میان خانواده‌ها به نظام اجتماعی برمی‌گردد. نتیجه‌ای که از منظر جامعه‌شناختی هم علت‌العلل قتل‌های اینجینی رانه والدین، بلکه متوجه ناکارآمدی نظام اجتماعی می‌داند. «به ظاهر پدر و مادر، خرم‌دین قتل‌فرزندشان را

لیلا مهداد: خانه پدری؛ خانه باغی مربوط به قصه آدم‌هایی که صدسال پیش زندگی می‌کردند. خانه پدری؛ چهاردیوای روستایی در نقطه‌ای از شمال یا حتی کمی نزدیک‌تر در یکی از واحدهای آپارتمانی در اکباتان. فرقی ندارد حفظ آبرو و وجه مشترک همه این خانه‌هاست. یکی زیرزمین خانه را انتخاب می‌کند برای خاک‌کردن آبرویش. دیگری آبرویش را سرمی‌بُرد و حالا پدری دیگر دست‌به‌مُتله‌کردن پسرزده است.

آبروداری‌هایی که در نهایت به فرزندکشی ختم شده‌اند. پرورنده‌های بی‌قصاصی که در نهایت ختم می‌شوند به چندسال حبس و تنها خاطره‌ای مبهم در آذهان. روزی رومیناها تقاص حرف مردم و نگاه جامعه را می‌دهند و زمانی علی‌رضا و بابک قربانی خشونت می‌شوند. پرورنده‌هایی جنجالی که برای مشوش نشدن آذهان عمومی خیلی زود مختومه می‌شوند. هرچند در زمان جنجال این پرورنده‌ها برای چندمین بار از نقص قانون گفته می‌شود، البته همیشه بی‌نتیجه. فرزندکشی و اما این بار پسرکشی. پرورنده قتلی دیگر که پدر را در جایگاه قاتل قرار داد. البته فرزند هم نقش مقتول را به عهده گرفته؛ قتل و مُتله‌کردن. پرورنده‌های با معاونت مادر که آذهان عمومی را مشوش کرد. شهروندان شوکه‌ای که به دنبال راه‌حل و شاید جوابی هستند برای عبور از شوک. نداشتن سلامت روان اولین راه‌حل عبور بود. راه‌حلی که با اظهار نظر پدر مقتول و آزمایشات پزشکی قانونی آن راه‌بن بست کشاند؛ پدر دارای سلامت روان است. پاسخی که به ناهاهنگی شناختی جامعه دامن می‌زند؛ نظریه ناهاهنگی شناختی در روانشناسی اجتماعی. نظریه‌ای که می‌گوید وقتی دو شناخت متضاد هم‌زمان پیش می‌آید، فرد دچار احساس ناخوشایندی شده و برانگیخته می‌شود. فرد یا شهروندانی که به دنبال کاهش این احساس یا از بین بردن آن می‌روند. مخاطبانی که در پرورنده قتل خرم‌دین هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌اند و اغلب دست‌به‌حس و گمان می‌زنند. به باور مجتبی دلیر به خطراتن برخی متخصصان و شروع تحلیل‌های روایتی باعث تنش، استرس و اضطراب شهروندان شده. «افراد به‌طور ناخودآگاه دست‌به‌دامن‌انکار، توجیه و لطیفه می‌شوند تا بتوانند مقداری از حال بد را کاهش دهند.»

آموزش، افزایش دانش و تغییر نگرش

به باور این عضو هیأت‌مدیره انجمن روانشناسی اجتماعی ایران چهار نکته عمده در این پریشانی ایجاد شده اهمیت دارد. «عدم رعایت اصل تحقیقات محرمانه و رسانه‌ای کردن شتاب‌زده آن پیش از به اتمام رساندن تحقیقات.» هرچند عامل دیگری که این پریشانی را تشدید می‌کند، نقشی است که اصحاب رسانه دارند. هرچند کارکرد منفی فضای مجازی را هم نمی‌توان نادیده گرفت. دانش محدود عموم شهروندان درباره تشخیص‌های روانشناختی و اهمیت آنها در جرم‌شناسی و امور قضایی را هم نمی‌توان نادیده گرفت. اظهار نظرهای غیرمسئولانه و غیرعلمی برخی از متخصصان و غیرمتخصصان هم در این پریشانی بی‌تأثیر نیستند. «از طریق آموزش و با افزایش دانش و تغییر نگرش می‌توان امید به تغییر این‌گونه رفتارهای آسیب‌زاد داشت.»

شکاف نسلی شدید میان نسلی

خشونت در حوزه خصوصی یا خشونت‌های خانگی پدیده‌ای